

واحد تحقیق دفتر خدمات حقوق بین المللی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مسئولیت بین المللی دولت
در نتیجه اعمال افراد





پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو د مرکز
پرتال جامع علوم انسانیت



● مقدمه

۱. در بسیاری از دعاوی طرح شده در دیوان داوری دعاوی ایران-ایالات متحده، به ویژه دعاوی کمتر از ۲۵۰,۰۰۰ دلار، امریکائیان به ادّعی اینک در اثر اعمال شورشیان و انقلابیون قبل از پیروزی انقلاب یا کمی پس از آن زیان‌هایی به آنها وارد آمده است، از دولت جمهوری اسلامی ایران مطالبه خسارت نموده و در تأیید ادّعی خود به قواعد حقوق بین‌الملل استناد کرده‌اند. این مسئله مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت است و برای ردّ ادّعی آنان می‌توان به بند ۱۱ (د) بیانیه الجزایر^۱ و برخی از قواعد حقوق بین‌الملل که در تفسیر آن

۱. به موجب این بند، ایالات متحده متعهد شده است که از طرح دعاوی ناشی از حوادث قبل از تاریخ بیانیه در ارتباط با «صدمات وارده به اتباع ایالات متحده یا اموال آنها در نتیجه جنبشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است» جلوگیری کند.

می‌تواند سودمند باشد، استناد کرد. برای تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت چهار شرط در حقوق بین‌الملل عمومی مقرر شده است:

۱. نقض يك تعهد بين المللی و به تعبیر دیگر انجام دادن يك عمل نامشروع؛

۲. تحقق ضرر،

۳. وجود رابطه سببیت بین نقض تعهد و ضرر،

۴. قابلیت انتساب عمل زیان‌آور به يك ارگان مسئول دولتی.^۲

شرط اخير شرطی بسیار مهم در مسئولیت بین‌المللی دولت است. هرگاه خواهان نتواند اثبات کند که عمل زیان‌آور، منتسب به یکی از ارگانهای دولت بوده است، حکم به مسئولیت دولت و جبران خسارت وارده صادر نخواهد شد.

۲. يك نکته در حقوق بین‌الملل مسلم است و آن این است که دولت مسئول اعمال افراد خصوصی نیست و نیز دولت مسئولیت اعمال توده‌های مردم را که شورش کرده و در ضمن شورش، بدون اینکه دولت کنترلی بر آن داشته باشد، خسارتی به بیگانگان وارد آورده‌اند برعهده ندارد. البته، يك استثناء بر این اصل وارد آمده است: يك دولت انقلابی مسئول اعمال انقلابیون و شورشیان پیروز تلقی می‌شود. اما این استثناء هم حدود و قیودی دارد که باید مورد توجه واقع شود. آنچه در این مقاله مورد بحث واقع خواهد شد اصل مذکور و استثنای وارد بر آن است.

منبع اصلی در این باب گزارشهای داده شده به کمیسیون حقوق بین‌الملل، به ویژه چهارمین گزارش راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت از پروفیسور Roberto Ago، و طرح مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت است که در سال ۱۹۸۰ به تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل

2. CHARLES ROUSSEAU: *Droit International Public*, T.V. Paris 1983, n^o 6s.

رسیده و معمولاً آن را به عنوان تدوین قواعد حقوق بین الملل عرفی تلقی می کنند.



اصل عدم مسئولیت دولت در قبال اعمال افراد خصوصی

۳. اصل کلی پذیرفته شده در حقوق بین الملل این است که اعمال افراد خصوصی، قابل انتساب به دولت نیست. ۳ ماده ۱۱ طرح مواد راجع به مسئولیت بین المللی دولت تحت عنوان «عمل اشخاص بدون نمایندگی از سوی دولت» در این زمینه مقرر می دارد:

۱. عمل شخص یا گروهی از اشخاص که به نمایندگی از دولت انجام نگرفته باشد، نباید از نظر حقوق بین الملل عمل دولت شناخته شود.»
۲. بند ۱ مانع از انتساب هر کار دیگری که توسط اشخاص یا گروهی از اشخاص یاد شده در آن بند صورت گرفته باشد و طبق مواد ۵ تا ۱۰ باید به عنوان عمل دولت شناخته شود، به دولت نیست.»^۲

3. IAN BROWNLIE: *System of the Law of Nations, State Responsibility*, Par I, Oxford 1983, pp. 159 ss; NGUYEN QUOC DINH, PATRICK DAILLIER, ALAIN PELLET: *Droit international public*, 2e éd., Paris 1980, n° 624, p. 696.

4. Article II. Conduct of persons not acting on behalf of the State:

1. The conduct of a person or a group of persons not acting on behalf of the State shall not be considered as an act of the State under international Law.
2. Paragraph 1 is without prejudice to the attribution to the State of any other conduct which is related to that of the persons or groups of persons.

در سالنامه ۱۹۷۵ کمیسیون حقوق بین الملل ضمن توضیح و تفسیر ماده فوق، مبانی آن در حقوق بین الملل مورد بررسی واقع شده است. با توجه به عملکرد دولتها و رویه قضائی بین المللی و عقاید علمای حقوق بین الملل، باید گفت که این ماده متضمن يك قاعده عرفی بین المللی است، هرچند که مواد تهیه شده از سوی کمیسیون حقوق بین الملل راجع به مسئولیت بین المللی دولت، از جمله ماده ۱۱، هنوز به تصویب دولتها نرسیده و به صورت عهدنامه در نیامده است.

۴. برای روشن شدن مفهوم ماده ۱۱ مذکور، به پاره ای نکات که در تفسیر این ماده در سالنامه کمیسیون حقوق بین الملل آمده است، اشاره می کنیم:

کلمه «شخص» در بند ۱ ماده ۱۱ شامل شخص طبیعی و شخص حقوقی است و در این ماده به عمل «گروهی از اشخاص» نیز اشارت رفته است، چرا که در اغلب موارد، زیانهای وارده به بیگانگان ناشی از عمل گروهها است. به نظر کمیسیون توصیف اشخاص با وصف «خصوصی»، با اینکه در اغلب موارد عامل زیان افراد خصوصی هستند، به دو دلیل ضروری نبوده است:

یکی آنکه در مورد اشخاص حقوقی، قاعده فوق باید درباره پاره ای اشخاص که از نظر حقوق داخلی، خصوصی به شمار نمی آیند، مانند اشخاص حقوقی فرادولتی (parastatal) یا شبه عمومی (quasi-public)^۵، نیز اجرا شود. عدم انتساب اعمال این اشخاص به

referred to in that paragraph and which is to be considered as an act of the State by virtue of articles 5 to 10.

برای متن کامل این طرح (بخش اول - مواد ۱ تا ۳۵) رجوع شود به:

Yearbook of the International Law Commission, 1986, Vol. II, Part 2. pp. 30 ss.

۵. مقصود نهادهایی است که دارای سازمان خاص و جدا از دولت هستند و در کنار دولت خدماتی را که دارای جنبه عمومی است انجام می دهند. رجوع شود به گزارش سوم

دولت درست مانند عدم انتساب اعمال شرکت‌های خصوصی است مشروط بر اینکه اشخاص مزبور انجام وظایف دولت (اعمال حاکمیت) را برعهده نداشته باشند یا لا اقل فعل یا ترك فعل زیان‌آور آنها در ارتباط با انجام آن وظایف نباشد.

دلیل دوم آن است که در مورد اشخاص طبیعی، قاعده مذکور درباره اشخاصی که ارگان دولت به شمار می‌آیند در صورتی که به عنوان اشخاص خصوصی عمل کرده باشند نه در سمت‌مأمور دولت و در اجرای وظایفی که به عنوان ارگان دولت برعهده دارند، نیز لازم‌الاجراء است. بالاخره جمله «که به نمایندگی از دولت انجام نگرفته باشد» بدان منظور افزوده شده که عمل اشخاصی را که طبق مواد ۷ و ۸ به عنوان استثناء قابل انتساب به دولت است، از شمول قاعده مندرج در بند ۱ ماده ۱۱ خارج کند.^۶

«R.Ago» راجع به مسئولیت دولت مندرج در سالنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۹۷۱، ج ۲، بخش اول، ش ۱۶۵، ص ۲۵۴.

۶. رجوع شود به شرح ماده ۱۱ مندرج در همان سالنامه، ۱۹۷۵، ج ۲، ش ۳۶، ص ۸۲. ترجمه بند ۲ ماده ۷ و کل ماده ۸ از طرح مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت بدین شرح است:

ماده ۷. انتساب رفتار واحدهای دیگری که صلاحیت اعمال عناصری از اختیارات دولت را دارند، به دولت:

۱. ...

۲. ... رفتار ارگان یا واحدی که جزئی از ساختار رسمی دولت یا واحد حکومتی محلی نیست اما به موجب حقوق داخلی صلاحیت اعمال عناصری از اختیارات دولت را دارد، باید به عنوان عمل دولت برحسب حقوق بین‌الملل تلقی گردد، مشروط بر اینکه در مسئله طرح شده بدان سمت عمل کرده باشد.

ماده ۸. انتساب رفتار اشخاصی که به نمایندگی از دولت عمل می‌کنند، به دولت: رفتار شخص یا گروهی از اشخاص باید به عنوان عمل دولت برحسب حقوق بین‌الملل شناخته شود هرگاه:

الف. ثابت شود که چنین شخص یا گروه اشخاص، در واقع، از سوی دولت عمل می‌کرده‌اند:

بنابراین، موضوع ماده ۱۱، اعمال زیان آور اشخاص طبیعی یا حقوقی است که به نمایندگی قانونی (de jure) یا عملی (de facto) از دولت عمل نکرده باشند. اگر شخص خصوص نمایندگی از سوی دولت داشته و به عنوان نماینده دولت رفتار کرده باشد (بند ۲ ماده ۷ از طرح کمیسیون حقوق بین الملل)، عمل او منتسب به دولت است. اما عمل اشخاص حقوقی که نمی توان آنها را اشخاص حقوق خصوصی تلقی کرد، مانند مؤسسات شبه عمومی یا اشخاص حقوق عمومی که عمل حاکمیت انجام نمی دهند (مانند شرکتهای دولتی) یا اختیار عمل حاکمیت هم به آنها داده شده است ولی در بخش دیگری عمل کرده و موجبات زیان شده اند، قابل انتساب به دولت نیست. همچنین است عمل يك ارگان دولتی یا کارمند دولت که به عنوان کار فرد خصوصی، یعنی در ارتباط با زندگی خصوصی او، انجام گرفته است نه در رابطه با کار دولتی.^۷

اعمال اشخاص خصوصی منتسب به دولت نیست؛ خواه عامل تابعیت آن دولت را داشته یا نداشته باشد؛ خواه عمل در قلمرو حاکمیت آن دولت انجام شده باشد یا در جای دیگر؛ خواه انفرادی باشد یا گروهی؛ خواه در يك وضع عادی انجام گرفته باشد یا در جریان شورش، تظاهرات، انقلاب، جنگ و غیر آن؛ خواه زیان دیده، يك دولت خارجی باشد یا تبعه او.^۸

۵. با اینکه دولت مسئول اعمال افراد خصوصی نیست، ممکن است در صورت ورود خسارت از سوی آنان، از جهات دیگر مسئول

ب: چنین شخص یا گروه اشخاص، در واقع، عناصری از اختیارات دولت را، در نبود مقامهای رسمی و در اوضاع و احوالی که کاربرد این اختیارات را توجیه می کند، اعمال می کرده اند.

۷. سالنامه کمیسیون حقوق بین الملل، ۱۹۷۵، ج ۲، شرح ماده ۱۱، ش ۲، ص ۷۵.

۸. همان مأخذ، ش ۳، ص ۷۱.

شناخته شود. بنابراین، چنانکه بند ۲ ماده ۱۱ می گوید، بند ۱ این ماده ناقض مقررات مواد ۵ تا ۱۰ نیست؛ یعنی ممکن است دولت در برخی موارد به مناسبت عمل اشخاص خصوصی مسئول تلقی گرددولی، در این صورت، مسئولیت دولت ناشی از نقض يك تعهد بین المللی از سوی خود اوست، و در واقع، عمل اشخاص خصوصی فقط زمینه‌ای برای نقض تعهد دولت به شمار می آید. مثلاً دولت تا حدی - که برحسب مورد تفاوت می کند - متعهد است از دولتهای خارجی و نمایندگان و اتباع آنها در مقابل حملات افراد حمایت کند. بنابراین، اگر ارگانهای دولتی در اینگونه موارد از اقدامات حمایتی مناسب دریغ ورزند و در نتیجه عمل افراد خصوصی زیانی به بیگانگان وارد شود، دولت در ارتباط با عمل افراد، مرتکب نقض يك تعهد بین المللی شده و مسئول است.^۹

در تأیید عدم مسئولیت دولت در قبال اعمال اشخاص خصوصی می توان به آراء دادگاههای بین المللی و عملکرد دولتها و عقیده علمای حقوق بین الملل استناد کرد.

الف. آراء دادگاههای بین المللی

۶. بررسی رویه قضائی بین المللی ثابت می کند که رفتار اشخاص خصوصی هیچگاه موجب مسئولیت دولت تلقی نشده است مگر اینکه همراه با فعل یا ترك فعل از سوی يك ارگان دولتی بوده باشد. امکان دارد عمل افراد به دولت نسبت داده شود اما فقط هنگامی که شرکت یا معاونت ارگانهای دولت در ارتکاب عمل ثابت شده باشد. بنابراین، شرط انتساب عمل شخص خصوصی به دولت آن است که دولت از طریق عمل آن شخص مرتکب نقض يك تعهد بین المللی شده باشد.^{۱۰}

۹. همان مأخذ، ش ۴، ص ۷۱.

۱۰. همان مأخذ، ش ۷، ص ۷۲.

۷. اصل عدم مسئولیت دولت نسبت به اعمال اشخاص خصوصی در آغاز قرن بیستم (۳۰ سپتامبر ۱۹۰۱) از سوی داور «Ramiro Gil de Urbarri» در داوری بین ایتالیا و پرو براساس کتوانسیون ۲۵ نوامبر ۱۸۹۹ بصراحت اعلام شد. این داوری برای رسیدگی به دعاوی اتباع ایتالیا که در پرو سکونت داشتند مقرر شده بود. در پرونده «Poggioli» که رأی آن توسط «Ralson» سرداور کمیسیون ایتالیا - ونزولا متشکل به موجب پروتکل ۱۳ فوریه و ۷ مه ۱۹۰۳ صادر شد، یکی از دعاوی مطروحه مربوط به چهار نفر بود که متهم به اعمال زیان آوری از جمله قتل یکی از برادران «Poggioli» بودند. در این رأی به اعمال افراد که به علت عدم مجازات آنها از سوی مقامهای کشور به صورت عمل دولت در آمده است، اشارت رفته و در عین حال گفته شده است:

«بعضی از سازمانهای دولتی وظایف خود را، چنانکه باید، ایفا نکرده‌اند و به علت این قصور، دولت ونزولا باید مسئول شناخته شود.»^{۱۱}

از مجموع عبارات این رأی بوضوح بر می آید که مقصود سرداور به هیچوجه این نبوده که اعمال افراد خصوصی بالذات قابل انتساب به دولت است.

۸. موضوع در نیمه دهه ۱۹۲۰ با آراء دیگری که از دادگاههای

11. One can not consider that the acts were the acts of a well-ordered state, but rather that for the time being some of the instrumentalities of government had failed to exercise properly their functions, and for this lack the Government of Venezuela must be held responsible.

(United Nations, Reports of International Arbitral Awards (R.I.A.A.), Vol. X, p.689).

بین‌المللی صادر شد روشن تر گردید. در اول مه ۱۹۲۵ ماکس هوبر (Max Huber) که به موجب موافقتنامه انگلیس و اسپانیا مورخ ۲۹ مه ۱۹۲۳ به سمت داور تعیین شده بود، رأی معروف خود را در مورد دعاوی مختلف راجع به پرونده مالکیت اتباع بریتانیا در مراکش اسپانیایی (British Property in Spanish Morocco case) صادر کرد که از آن نکات زیر به دست می‌آید:

الف. در مواردی که اعمال افراد، زبانی به خارجیان وارد کرده باشد، داور فقط هنگامی عمل را به عنوان عمل دولت و موجب مسئولیت بین‌المللی تلقی می‌کند که قصور ارگانهای دولتی در جلوگیری از اعمال مزبور محرز باشد.

ب. عمل يك فرد خصوصی به هیچ‌رو منشأ مسئولیت بین‌المللی نیست.

ج. عمل زبان‌آور فرد متمایز از رفتاری است که در پرونده مطروحه ممکن است به دولت نسبت داده شود.

د. حتی برای تعیین مبلغ غرامت، داور تأکید می‌کند که مسئولیت دولت فقط ناشی از نقض يك تعهد بین‌المللی از سوی خود او در پرونده مزبور است نه ناشی از اوضاع و احوال و آثار اعمال افراد.^{۱۲}

۹. بعد از این پرونده، آرائی از کمیسیونهای دعاوی بین‌المللی کشورهای مختلف و مکزیکی صادر شد که در آنها نیز اصل مذکور مورد بحث و قبول قرار گرفت. کمیسیون دعاوی کلی مکزیکی - ایالات متحده که براساس کنوانسیون ۸ سپتامبر ۱۹۲۳ تشکیل شد، در چند مورد، این اصل را به‌طور قاطع اعلام کرد که مسئولیت دولت به مناسبت اعمال افراد فقط مبتنی بر قصور دولت در پیشگیری یا مجازات آن اعمال

12. R.I.A.A., Vol. II, pp. 636, 709 and 710; Yearbook of the I.L.C., 1975, Vol. II, p. 74, note 106.

است. در این زمینه مهمترین رأی آن است که کمیسیون به ریاست «van Vollenhoven» در ۱۶ نوامبر ۱۹۲۵ در پرونده جینز (Janes case) صادر کرد. در این پرونده که قتل يك امریکائی توسط يك کارمند اخراج شده مکزیکی مطرح و معاونت دولت مکزیك در آن کار ادعا شده بود، کمیسیون بوضوح اعلام کرد که:

الف. عمل فرد فقط باید به خود او نسبت داده شود و فقط اعمال ارگانهای دولتی قابل انتساب به دولت است؛

ب. دو نوع عمل مزبور در دو سطح مختلف - یکی در سطح حقوق داخلی و دیگری در سطح حقوق بین الملل - باید در نظر گرفته شود؛

ج. مفهوم معاونت که در خودداری از مجازات نهفته است صرفاً فرضی بوده و به هر حال نمی تواند مبنائی برای تغییر نتیجه و انتساب مسئولیت اعمال افراد به دولت تلقی شود.

در مورد میزان غرامت نیز کمیسیون، تفکیک بین عمل نامشروع فرد و عمل نامشروع دولت را ضروری شمرده و تأکید می کند که این دو جرم «در منشأ، کیفیت و اثر» متفاوت اند، و براساس آن، اظهار نظر می کند که دولت فقط باید خسارت ناشی از ترك فعل (omission) خود را جبران نماید و خسارت وارده نباید بر پایه زیان ناشی از قتل - که عمل فرد بوده است - ارزیابی شود.

در پرونده های دیگر به ویژه «Kennedy case» (۶ مه ۱۹۲۷)، «Venable case» (۸ ژوئیه ۱۹۲۷) و «Canahl case» (۱۵ اکتبر ۱۹۲۸) نیز کمیسیون دعاوی عمومی مکزیك - ایالات متحده اصل اعلام شده در پرونده جینز را اجرا کرده است.^{۱۳}

۱۰. از آغاز دهه ۱۹۳۰ آراء داوری بین المللی دیگری که قابل

۱۳. سالنامه کمیسیون حقوق بین الملل، ۱۹۷۵، ج ۲، ش ۱۶، ص ۷۵.

مقایسه با رأی صادر در پروندهٔ جینز باشد صادر نشد. با وجود این، شک نیست که بعد از این تاریخ، اصل عدم انتساب اعمال افراد خصوصی به دولت تثبیت شد. آراء بعدی به بررسی این مسئله اکتفا کرده که آیا در موقعیت خاصی، دولت ممکن است مرتکب نقض تعهد بین المللی خود به پیشگیری و مجازات افراد شده باشد؟ و دربارهٔ این موضوع که آیا دولت مرتکب چنین نقض تعهدی شده است یا نه، تصمیم گرفته‌اند.

در پروندهٔ «*Finish Shipowners v. Great Britain*»^{۱۴} به موجب رأی مورخ ۹ مه ۱۹۳۴ که در ارتباط با استفاده از برخی کشتیهای فنلاندی در زمان جنگ براساس موافقتنامهٔ ۳۰ سپتامبر ۱۹۳۲ بین بریتانیای کبیر و فنلاند صادر شد، داور اعلام داشت که اعمال زیان آور باید بوسیلهٔ دولت خوانده یا مأموران او انجام شده باشد؛ زیرا براساس حقوق بین الملل، مسئولیت مستقیم دولت بر اثر اعمال اشخاص خصوصی شناخته نشده است.^{۱۴}

۱۱. در میان آراء داوری مربوط به این موضوع، آراء مربوط به خسارات وارده به بیگانگان از سوی افراد در جریان شورشها، انقلابها و تظاهرات عمومی که دولت قادر به پیشگیری یا کنترل آنها نبوده معمولاً دستهٔ خاصی به شمار آمده است. اصل عدم انتساب اعمال زیان آور افراد خصوصی به دولت در اینگونه آراء نیز بصراحت اعلام شده است. مثلاً کمیسیون مختلط بریتانیای کبیر - ایالات متحده که به موجب موافقتنامهٔ ۱۸ اوت ۱۹۱۰ تشکیل شد، در رأی مورخ ۱۸ دسامبر ۱۹۲۰ در پروندهٔ «*Home Frontier and Foreign Missionary Society of the United Brethren in Christ*» اعلام داشت که هیچ دولتی نمی تواند مسئول عمل شورشیان که با نقض اقتدار دولت انجام شده است، تلقی گردد، «هنگامی که دولت خود مرتکب نقض حسن نیت یا سهل انگاری در

14. R.I.A.A., Vol. III, p. 1501.

سرکوب شورش نشده باشد»^{۱۵}.

اصل بنیادی عدم مسئولیت دولت نسبت به خسارات وارده در سرزمین او در ارتباط با حوادثی از قبیل شورش، انقلاب، جنگ داخلی یا جنگ بین المللی توسط ماکس هوبر در رأی مورخ اول مه ۱۹۲۵ در پرونده اموال اتباع بریتانیا در مراکش اسپانیائی- که قبلاً به آن اشارت رفت (ش ۸) - اعلام گردیده است. به موجب این رأی:

«مسئولیت برای فعل یا ترك فعل مقامهای عمومی کاملاً غیر از مسئولیت برای اعمال منتسب به افرادی است که خارج از حیطه نفوذ یا آشکارا دشمن مقامهای دولتی هستند.»^{۱۶}

ب. عملکرد دولتها

۱۲. در زمینه عملکرد دولتها، موضعگیری دولتها در جریان کارهای مقدماتی کنفرانس ۱۹۳۰ جهت تدوین حقوق بین الملل (Colifcation Conference) و در خود کنفرانس قابل توجه است. همه دولتهائی که در این کار شرکت داشتند بر آن بودند که اعمال افراد خصوصی هرگز قابل انتساب به دولت به عنوان يك منبع مسئولیت بین المللی نیست. آنها موافقت داشتند که دولت در برخی موارد فقط در اثر رفتار ارگانهای خود در ارتباط با اعمال افراد خصوصی، رفتاری که نقض تعهدات بین المللی دولت به شمار آید، مسئول شناخته می شود، اگرچه آن اعمال در اوضاع و احوال خاصی مانند شورشها و آشوبها روی داده یا خسارت به بیگانگانی وارد شده باشد که از حمایت خاصی برخوردارند، مانند مأموران سیاسی دولت خارجی.

15. R.I.A.A., Vol. III, p. 44

16. La responsabilité pour l'action ou l'inaction de la puissance publique est tout autre chose que la responsabilité pour des actes imputables à des personnes échappant à l'influence des autorités ou leur étant ouvertement hostiles. (R.I.A.A., Vol., II, p. 642).

این نکات از پاسخهایی که دولتها به پرسشنامه ارسالی توسط کمیته تدارك کنفرانس داده بودند بخوبی آشکار می شود.^{۱۷}

۱۳. موضعگیری برخی از دولتها نسبت به این مسئله در موارد خاص نیز درخور توجه است. در مورد زیانهای وارد به بیگانگان در جریان شورشها و تظاهرات عمومی و آشوبها، عملکرد بین المللی نمونه های متعددی از موضعگیری دولتها را به دست می دهد که از جمله موضعگیری ایالات متحده و ایتالیا در قضیه کاتلر (Cutler) است.

در جریان تظاهرات عمومی در فلورانس در اکتبر ۱۹۲۵ گروهی به دفتر يك تبعه ایالات متحده به نام «کاتلر» حمله بردند و ائانه آن را نابود کردند. از اظهارنظر دولتین ایالات متحده و ایتالیا در این قضیه آشکار می شود که هر دو دولت اساساً توافق داشتند که فقط فعل یا ترك فعل مقامهای رسمی دولتی به عنوان عمل نامشروعی که مسئولیت بین المللی را موجب می شود، قابل انتساب به دولت است. هیچیک از دولتین سعی نمی کرد عمل افراد خصوصی را به دولت نسبت دهد. اختلاف بین دولتین فقط در مورد ضابطه تعیین مبلغ غرامتی بود که، در صورت اثبات ارتکاب عمل نامشروع، از سوی مقامهای دولتی می بایست پرداخت شود.^{۱۸}

۱۴. در خلال دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۵۰ عدم امکان انتساب اعمال افراد خصوصی به دولت که در جریان شورشها و تظاهرات عمومی روی داده است دوبار در دستورهای صادر از سوی وزارت امور خارجه ایالات متحده به سفارتخانه های آن کشور در کوبا (سال ۱۹۳۳) و لیبی

۱۷. سالنامه کمیسیون حقوق بین الملل، ۱۹۷۵، ج ۲، ش ۱۹، ص ۷۶

۱۸. همان مأخذ، ش ۲۵، ص ۷۷.

(سال ۱۹۵۶) صادر شده است.^{۱۹}

در هر دو مورد، ایالات متحده از حمایت دعاوی اتباعش خودداری کرد بدین استدلال که در اینگونه موارد مسئولیت دولت فقط ناشی از اهمال و تقصیر مقامهای دولتی در جلوگیری یا مجازات اعمال زیان آور است.

۱۵. همین اصل در پاسخ وزیر خارجه فرانسه به يك سؤال پارلمانی راجع به قتل برخی از اتباع فرانسه، با عبارات روشنی منعکس شده است.^{۲۰}

عملکرد دولت بریتانیا نیز مبنی بر قبول اصل مزبور بوده است. طی مذاکرات راجع به خسارات وارده به اتباع انگلیسی در پی شورشهای اندونزی که در پارلمان بریتانیا روی داد، از وزیر خارجه انگلیس سؤال شد که آیا دولت در مذاکرات خود با اندونزی این نکته را در نظر دارد که مقامهای اندونزی نسبت به اعمال شورشیان نقش منفی داشته و از آن چشم پوشی کرده اند؟ وزیر خارجه پاسخ داد که درست به همین جهت دولت بریتانیا مذاکره می کند تا دولت اندونزی مسئولیت خود را بپذیرد.^{۲۱}

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ج. عقاید علمای حقوق بین الملل

۱۶. عقاید علمای حقوق بین الملل در این زمینه به سه دسته قابل تقسیم است:

۱۹. همان مأخذ، ش ۲۶، ص ۷۷.

20. A. CH. KISS: Répertoire de la pratique française en matière de Droit international public (Paris, C.N.R.S., 1965) Vol. III, p. 636, Cited in Yearbook of the I.L.C., 1975, Vol. II, p. 78, note No. 145.

21. E. LAUTERPACHT: **British Practice in International Law** (London, 1963), p. 120, Cited in Yearbook of the I.L.C. 1975, Vol. II, p. 78, note No. 136.

نظریهٔ اول این است که اعمال افراد قابل انتساب به دولت به عنوان منبع مسئولیت بین‌المللی است، بدون توجه به اینکه ارگانهای دولت در قبال این اعمال چه رفتاری اتخاذ کرده باشند. این نظریه که مبتنی بر اصل «تعاون گروه اجتماعی» (Solidarity of the Social Group) یا «ضمانت» (garantie) است، برخی از نویسندگان جدید را وسوسه کرده ولی در حال حاضر هیچ طرفدار جدی ندارد.

نظریهٔ دوم از آن کسانی است که با وجود اختلاف در پاره‌ای مسائل در يك نکته وحدت نظر دارند و آن این است که عمل شخص خصوصی قابل انتساب به دولت به عنوان منبع مسئولیت بین‌المللی است مشروط بر اینکه عوامل دیگری، به ویژه قصور در پیشگیری از عمل یا واکنش بعدی در مقابل آن، دخالت داشته باشد و به شرطی که این قصور مستقیماً مربوط به دولت یعنی ناشی از ارگانهای آن باشد. این نظریه که به نظریهٔ معاونت (Theory of Complicity) معروف است، در نوشته‌های علمای حقوق بین‌الملل در قرن نوزدهم رایج بوده و در پاره‌ای از آراء داوری همان دوره منعکس شده ولی بعد از دههٔ اول قرن بیستم عموماً متروک گردیده است، هرچند که برخی از نویسندگان بعدی نیز از آن حمایت کرده‌اند.

نظریهٔ سوم که اکثریت قاطع علمای جدید حقوق بین‌الملل طرفدار آن هستند این است که عمل اشخاص خصوصی از نظر حقوق بین‌الملل قابل انتساب به دولت نیست و بدین عنوان، عمل دولت (act of the State) که ممکن است موجب مسئولیت در قبال دولتهای دیگر باشد، به‌شمار نمی‌آید. اعمال افراد یا شرکتهای خصوصی که زبانی از آن به دولتهای خارجی یا اتباع یا نمایندگان آنها وارد شده باشد، غالباً زمینه‌ای برای ارتکاب عمل نامشروع از سوی دولت فراهم می‌آورد. ولی همین عمل نامشروع صادر از ارگانهای دولتی است که قابل انتساب به دولت است و اعمال افراد فقط زمینه و انگیزه‌ای برای آن محسوب می‌شود. دولت از نظر بین‌المللی فقط مسئول فعل یا اغلب ترک فعل ارگانهای خود است که

از امکاناتشان برای پیشگیری از عمل زیان‌آور افراد یا مجازات آن، چنانکه باید، استفاده نکرده‌اند. دولت به علت نقض تعهد حمایت از بیگانگان مسئول است نه به سبب اعمال افراد که ممکن است خود با مقررات بین‌المللی منافات داشته باشد. مثلاً اگر تبعه خارجی بوسیله یک فرد خصوصی به قتل رسیده باشد، دولت از نظر حقوق بین‌الملل مسئول آن قتل به شمار نمی‌آید بلکه فقط مسئول قصور و اهمال در پیشگیری از آن یا مجازات قاتل است.

باید یادآور شد که اکثریت عظیم آن دسته از علمای حقوق بین‌الملل که مسئله اعمال افراد در شرایط خاصی از قبیل شورشها، آشوبها و تظاهرات عمومی را بررسی کرده‌اند نیز این اصل را تأیید نموده‌اند که اعمال مزبور قابل انتساب به دولت به عنوان منبع مسئولیت بین‌المللی نیست.^{۲۲}

به هر حال، همین نظریه سوم است که به موجب رویه قضائی بین‌المللی و عملکرد دولتها تأیید و تثبیت شده است.

۱۷. از آنچه در مورد اعمال اشخاص خصوصی در ارتباط با مسئولیت بین‌المللی دولت و تفسیر ماده ۱۱ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل گفتیم، چنین استنتاج می‌شود که: اولاً، بر طبق ضابطه‌ای که بتدریج در حقوق بین‌الملل جا افتاده است. عمل افراد خصوصی که به نمایندگی از سوی دولت انجام نشده باشد قابل انتساب به دولت نیست و نمی‌تواند موجب مسئولیت دولت باشد. این نتیجه‌گیری، صرف نظر از اوضاع و احوالی که عمل خصوصی در آن واقع شده و نوع زیان، صادق است. ثانیاً، با اینکه مسئولیت بین‌المللی دولت در پاره‌ای موارد در ارتباط با اعمال اشخاص خصوصی پذیرفته شده است، یگانه مبنای آن

۲۲. سالنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل، ۱۹۷۲، ش ۳۳، صص ۸۰ و ۸۱

رفتار ارگانهای دولت است؛ رفتاری که به مناسبت اعمال اشخاص خصوصی روی داده و از نظر بین المللی نامشروع است. به نظر کمیسیون حقوق بین الملل، قاعده‌ای که از اعمال ضابطه فوق به دست می‌آید، پاسخگوی زندگی بین المللی جدید است و نیازی به اصلاح آن نیست. کمیسیون بر آن است که قاعده‌ای که در ماده ۱۱ پیشنهاد شده اساساً همان قاعده لازم‌الاجراء در حقوق بین الملل عرفی است.^{۲۳}



مسئولیت دولت

در قبال اعمال انقلابیون

الف. اصل عدم مسئولیت مردم انسانی و مطالعات فرسنگی

۱۸. از آنچه در پیش گفتیم، می‌توان نتیجه گرفت که دولت اصولاً مسئول اعمال زیان‌آور شورشیان یا انقلابیون که از ارگانهای دولتی به شمار نمی‌آیند، نیست. در پرونده «Sambiago» (ایتالیا - ونزوئلا)، داور در رأی مورخ ۱۹۰۳ این قاعده را به شرح زیر اعلام داشت:

«با توجه به اصل کلی، ناگزیر از این نتیجه‌گیری هستیم که، جز در موارد استثنائی، دولت نباید مسئول اعمال انقلابیون باشد؛ زیرا:

۱. انقلابیون کارگزار دولت نیستند و يك مسئولیت طبیعی وجود ندارد.

۲۳ همان مأخذ، ش ۳۵، ص ۸۲.

۲. عمل آنان برای نابودی دولت انجام شده است و هیچکس نباید مسئول اعمال دشمنی که قصد جان او را دارد، به شمار آید.
۳. انقلابیون خارج از کنترل دولت بودند و دولت نمی تواند مسئول خسارات ناشی از اعمال کسانی تلقی شود که از حیطة اقتدار او بیرون بوده اند.»^{۲۴}

در پرونده «Fischbach and Friedericicy» (آلمان- ونزوئلا) نیز سرداور «Duffield» همین قاعده را در رأی مورخ ۱۹۰۳ با عبارت زیر اعلام کرد:

«با وجود این، به اعتقاد سرداور، دکتربین جدید که تقریباً مورد قبول همگان قرار دارد آن است که يك ملت مسئول اعمال انقلابیون نیست هنگامی که انقلاب خارج از کنترل دولت رسمی بوده است.»^{۲۵}

این قاعده در ماده ۱۴ از طرح مواد پیشنهادی کمیسیون حقوق بین الملل درباره مسئولیت بین المللی دولت نیز منعکس شده است. بند ۱ ماده مزبور اعلام می دارد:

«رفتار عضوی از يك نهضت شورشی که در سرزمین دولتی یا هر

24. We find ourselves therefore obliged to conclude, from the standpoint of general principle, that, save under the exceptional circumstances indicated, the Government should not be held responsible for the acts of revolutionists because:

1. Revolutionists are not the agents of government, and a natural responsibility does not exist.
2. Their acts are committed to destroy the government, and no one should be held responsible for the acts of a enemy attempting his life.
3. The revolutionists were beyond governmental control, and the Government can not be held responsible for injuries committed by those who have escaped its restraint. (R.I.A.A., Vol., X, p. 513).

25. In the opinion of the umpire, however, the modern doctrine, almost universally recognized, is that a nation is not liable for acts of revolutionists when the revolution has gone beyond the control of the titular government. (R.I.A.A., Vol, X, P. 400.)

سرزمین دیگر تحت اداره آن مستقر شده است، نباید عمل آن دولت برطبق حقوق بین الملل تلقی شود.»^{۲۶}

اما این قاعده دارای استثنائی است که در زیر مورد بحث قرار می گیرد.

ب. مسئولیت دولت در قبال اعمال انقلابیون پیروز

۱۹. در موردی که انقلابیون یا شورشیان پیروز شده و به حکومت رسیده باشند، رویه قضائی بین المللی، دولت را مسئول اعمال زیان آور آنان می داند.

ماده ۱۵ طرح موادّ راجع به مسئولیت بین المللی دولت، که از سوی کمیسیون حقوق بین الملل تهیه شده است، تحت عنوان «انتساب عمل يك نهضت انقلابی که به صورت حکومت جدید يك کشور در می آید یا منتهی به تشکیل دولت جدید می شود»، درباره قاعده استثنائی فوق چنین می گوید:

«۱. عمل يك نهضت انقلابی که به صورت حکومت جدید کشوری در می آید، عمل آن دولت تلقی می شود. معهذاً، این انتساب منافی انتساب عملی که به موجب موادّ ۵ تا ۱۰ قبلاً به عنوان عمل دولت شناخته شده است، نیست.

۲. عمل يك نهضت انقلابی که منتهی به تشکیل يك دولت جدید در بخشی از سرزمین دولت سابق یا سرزمین تحت اداره آن می شود، باید به عنوان عمل دولت جدید شناخته شود.»^{۲۷}

26. 1. The conduct of an organ of an insurrectional movement which is established in the territory of a State or in any other territory under its administration shall not be considered as an act of that state under international law.

27. **Article 15.** Attribution to the State of the act of an insurrectional movement which becomes the new government of a State or which results in the formation of a new State.

۲۰. در سالنامه ۱۹۷۵ (ج ۲) کمیسیون حقوق بین الملل شرح این ماده دیده می شود. همچنین در چهارمین گزارش پروفیسور Roberto Ago به کمیسیون مزبور مندرج در سالنامه ۱۹۷۲ (ج ۲، ص ۱۴۴ به بعد)، مبنای آن ماده به تفصیل مورد بررسی واقع شده است.

بند ۱ ماده ۱۵ ناظر به مواردی است که يك نهضت شورشی در يك کشور به حکومت می رسد و به صورت حکومت جدید زمام امور کشور را به دست می گیرد. در این فرض، دولت مسئول اعمال ارگانهای نهضت انقلابی یا شورشی که قبل از تشکیل دولت جدید انجام گرفته است، خواهد بود.^{۲۸}

اما بند ۲ ناظر به مورد تشکیل يك دولت جدید از طریق تجزیه کشور قبلی یا استقلال مستعمره آن است. به موجب این بند، عمل يك نهضت انقلابی که منتهی به تشکیل يك دولت جدید در بخشی از سرزمین دولت سابق یا در يك سرزمین تحت اداره آن شده است، به منزله عمل دولت جدید تلقی می شود. بنابراین، عبارت «یا در يك سرزمین تحت اداره آن» ناظر به مستعمرات و سرزمینهای وابسته است.^{۲۹}

در سالنامه کمیسیون حقوق بین الملل پس از توجیه قاعده استثنائی فوق از رویه دادگاههای دآوری بین المللی، عملکرد دولتها و

-
1. The act of an insurrectional movement which becomes the new government of a State shall be considered as an act of that State. However, such attribution shall be without prejudice to the attribution to that State of conduct which would have been previously considered as an act of the State by virtue of articles 5 to 10.
 2. The act of an insurrectional movement whose action results in the formation of a new State in part of the territory of a pre-existing state or in a territory under its administration shall be considered as an act of the new State.
۲۸. سالنامه کمیسیون حقوق بین الملل، ۱۹۷۵، ج ۲، شرح ماده ۱۵، ش ۲۱، ص ۱۰۵.
۲۹. همان مأخذ، ش ۲۲، صص ۱۰۵ و ۱۰۶.

عقاید علمای حقوق - که به اعتقاد پروفیسور آگو، گزارشگر کمیسیون حقوق بین الملل، همگی مؤید آن هستند - به تفصیل سخن گفته شده است. از آنجا که بحث تفصیلی از مبانی و منابع قاعده در اینجا مناسب به نظر نمی‌رسد، به بحثی کوتاه درباره توجیه قاعده و آراء صادر از دادگاههای بین المللی در مورد آن بسنده می‌کنیم و سپس شرط کنترل را، که در تحقق مسئولیت دولت در این خصوص اهمیت اساسی دارد، مورد بحث قرار می‌دهیم.

۱. توجیه قاعده

۲۱. توجیه قاعده انتساب اعمال شورشیان پیروز به دولت دشوار است، به ویژه از این جهت که در زمان ارتکاب عمل، انقلابیون ارگان دولت نبوده و بعداً به حکومت رسیده‌اند. در آن زمان، انقلابیون بر ضد دولتی که قانونی به شمار می‌آمده است قیام کرده بودند و اعمال آنان علی‌الاصول نباید به دولت منتسب باشد. با وجود این، علمای حقوق بین الملل کوشیده‌اند این قاعده را به نحوی توجیه کنند: گاه استدلال کرده‌اند به اینکه انقلابیون پیروز به عنوان حکومت عملی (de facto)، لااقل در بخشی از سرزمین دولت، از پیش اعمال قدرت می‌کردند؛ همچنین گفته‌اند انقلابیون پیروز، از آغاز قیام بر ضد حکومت سابق، مظهر اراده واقعی ملت به شمار می‌آمده‌اند.^{۳۰}

هریک از این دلایل قابل بحث و ایراد است. پروفیسور آگو بر آن است که نباید به دنبال توجیه منطقی رفت بلکه مهم آن است که ببینیم آیا در جهان واقعی روابط بین المللی اینگونه اعمال به دولت نسبت داده می‌شود یا خیر؟ سپس می‌گوید: اگر در صدد توجیه این اصل باشیم باید این توجیه را در فکر تداوم (continuity) جستجو کنیم که، در واقع،

30. R. AGO: 4th Report on State Responsibility, Yearbook of the I.L.C. 1972, Vol. II, Nos. 197, 198, p. 145; CH. ROSSEAU: Droit international public, T.V. No. 84, p. 86.

ضابطه تعیین کننده برای حل مسئله است: اگر انقلابیون پیروز شده حکومت جدیدی تشکیل دهند، در واقع، سازمان انقلابی تداوم دو سازمانی است که قبلاً در حال نبرد با یکدیگر بوده‌اند. در این صورت، تعجب آور نیست که هم مسئولیت اعمال ارگانهای دولت سابق و هم مسئولیت اعمال ارگانهای سازمان انقلابی برعهده دولت جدید باشد.^{۳۱}

۲. آراء صادر از دادگاههای بین‌المللی

۲۲. جالب‌ترین بیان اصل مندرج در بند ۱ ماده ۱۵ را در آراء صادر از کمیسیونهای مختلط متشکل در ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ در ارتباط با دعاوی علیه ونزوئلا و مکزیك می‌توان یافت. در این آراء زیانهای وارد به خارجیان در جریان رویدادهای انقلابی این کشورها مطرح بوده است.

در ارتباط با داوریه‌های ونزوئلا، معروفترین رأی در این زمینه رأی «Plumley» سرداور کمیسیون مختلط دعاوی بریتانیا-ونزوئلا است که در پرونده «Bolivar Railway Company» به سال ۱۹۰۳ صادر گردید. در این رأی اعلام شده است:

«ملت مسئول تعهدات يك انقلاب پیروز از آغاز آن است زیرا، از لحاظ نظری، انقلاب از آغاز مظهر اراده متغیر ملی است که در پیروزی نهانی متبلور شده است.»^{۳۲}

با اینکه این رأی مربوط به يك عمل مشروع، یعنی قراردادی است که انقلابیون قبل از پیروزی انقلاب بسته بودند، اصلی که در آن اعلام شد يك اصل کلی است که اعمال نامشروع زیان آور را نیز در بر می‌گیرد.

۳۱. همان مأخذ، ش ۱۹۹، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

32. R.I.A.A., Vol. IX, p. 453.

اصل مزبور از سوی همان سرداور در رأی صادر در پرونده «Puerto Cabello and Valencia Railway Comapny» نیز که در آن زیانهای وارد به بیگانگان در اثر اعمال نامشروع شورشیان مطرح بود، با ارجاع به رأی پیشین، مورد تأیید واقع شد.

همچنین کمیسیون مختلط دعوای ایالات متحده - ونزوئلا که به موجب پروتکل مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۰۳ تشکیل شد، اصل مسئولیت دولت انقلابی در اثر اعمال انقلابیون را صریحاً اعلام کرد. رجوع شود به ویژه به آراء صادر در پرونده‌های معروف به «Dix case»^{۳۳} و «Heny case»^{۳۴}.

۲۳. در مورد داوریه‌های مربوط به مکزیك، به ویژه رأی مورخ ۱۹ اکتبر ۱۹۲۸ صادر در پرونده «Pinson» از سوی کمیسیون مختلط دعوای فرانسه - مکزیك قابل توجه است. ورزیل (Verzijl) رئیس کمیسیون در این رأی چنین اعلام داشت:

«اگر زیانها، فی‌المثل، ناشی از ضبط اموال یا پرداختهای اجباری خواسته شده... از سوی انقلابیون قبل از پیروزی نهائی باشد، یا اگر ناشی از جرائمی باشد که نیروهای انقلابی پیروز مرتکب شده‌اند، به اعتقاد من مسئولیت دولت قابل انکار نیست.»^{۳۵}

۳. شرط کنترل

۲۴. برای اینکه مسئولیت يك دولت انقلابی در نتیجه اعمال انقلابیون تحقق پیدا کند، يك شرط مهم باید وجود داشته باشد که عبارت است از کنترل دولت مزبور بر افرادی که خسارتی از آنها به

۳۳. همان مأخذ، ص ۱۲۰.

۳۴. همان مأخذ، ص ۱۳۳.

35. R.I.A.A., Vol. V. p. 353.

بیگانگان وارد شده است. به طور کلی، هیچ دولتی، اعم از انقلابی یا غیرانقلابی، مسئول اعمال افرادی که تحت کنترل او قرار ندارند نیست. به تعبیر دیگر، عمل افرادی را که تحت کنترل دولت قرار ندارند به هیچوجه نمی‌توان به دولت منتسب کرد.

مسئولیت بین‌المللی مبتنی بر اصول واحدی است: همانطور که دولت مستقر و معمولی فقط مسئول اعمال نمایندگان و مأموران خویش است، دولت انقلابی نیز تنها مسئول اعمال افرادی است که به عنوان عضو یا نماینده گروه یا سازمان انقلابی عمل کرده، و به دیگر سخن، تحت کنترل آن گروه یا سازمان بوده‌اند. در رویه قضائی بین‌المللی و نوشته‌های علمای حقوق بین‌الملل به شرط کنترل تصریح شده است.

● تصریح رویه قضایی بین‌المللی به شرط کنترل

۲۵. شرط کنترل، به مفهومی که در بالا توضیح داده شد، مستفاد از پاره‌ای آراء صادر از دادگاههای بین‌المللی است. حتی کلمه «کنترل» در پاره‌ای از آراء، از جمله آراء زیر، بکار رفته است.

در رأی مورخ ۱۹۰۳ صادر در پرونده «Sambigo» (ایتالیا- ونزوئلا) داور این قاعده را بصراحت اعلام کرد (رجوع شود به شماره ۱۸).

گرچه این رأی مربوط به انقلابیونی است که به پیروزی نرسیده بودند ولی از عبارت مذکور در رأی بوضوح بر می‌آید که کنترل افراد وارد کننده زبان، شرط اساسی مسئولیت بین‌المللی دولت است، خواه مسئولیت يك دولت انقلابی پیروز مطرح باشد، خواه مسئولیت دولت معمولی.

در رأی مورخ ۱۹۰۳ صادر از کمیسیون دعاوی ایالات متحده- ونزوئلا در پرونده «Dix» نیز کلمه «کنترل» استعمال شده و به شرط فوق اشارت رفته است. در این رأی خسارت وارد بوسیله

نیروهای مسلح يك نهضت انقلابی سازمان یافته در ونزوئلا، که بعداً به قدرت رسید، مطرح بود و کمیسیون در آن چنین اعلام داشت:

«انقلاب ۱۸۹۹ به رهبری ژنرال کپرانو کاسترو (Ciprano Castro) به پیروزی رسید و اعمال انقلابیون به موجب يك قاعده جا افتاده حقوق بین الملل باید اعمال يك دولت عملی (de facto) محسوب شود. مأموران اداری و نظامی انقلاب، سیاست آن دولت را تحت کنترل قوه مجریه اش اعمال کردند. اینگونه مسئولیت بر اثر تجاوز به حقوق اشخاص بیطرف، برای دولت انقلابی پیروز همانند هر دولت عملی دیگر تحقق می یابد.»^{۳۶}

بدیهی است در این پرونده اگر وارد کنندگان زیان تحت کنترل سازمان و گروه انقلابی پیروز نبودند، دادگاه حکم به مسئولیت دولت انقلابی نمی داد زیرا اعمال آنان قابل انتساب به دولت انقلابی نبود. همچنین رجوع شود به رأی مورخ ۱۹۰۳ صادر در پرونده «Fischbach and Friedericy» (ش ۱۷).

۲۶. باید اضافه کرد که حتی کاربرد سخنان تشویق یا تحریک آمیز، یا تأیید اعمال افراد از سوی رهبران انقلاب دلیل بر کنترل و سبب انتساب آن اعمال به دولت انقلابی نخواهد بود، چنانکه در پرونده راجع به «مأموران سیاسی و کنسولی ایالات متحده در تهران»، دیوان بین المللی دادگستری در حکم مورخ ۲۴ مه ۱۹۸۰ بصراحت این نکته را اعلام داشته است.^{۳۷}

وقتی که اعمال دانشجویان پیرو خط امام در مورد مأموران به اصطلاح سیاسی و کنسولی ایالات متحده طبق رأی دیوان بین المللی

36. R.I.A.A., Vol. IX, p. 120.

37. I.C.J. Reports, 1980, 58-59.

دادگستری منتسب به دولت انقلابی نباشد، چگونه می‌توان اعمال انقلابیون سازمان نیافته یا گروه‌های خارج از حیطه کنترل رهبران انقلاب را که قبل از پیروزی انقلاب یا در آغاز آن انجام گرفته است به دولت انقلابی ایران نسبت داد؟

۲۷. در پایان بحث از رویه قضائی بین‌المللی بجاست به رأی مهم مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶ که دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوای نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا صادر کرده است اشاره کنیم.

در مورد انتساب اعمال ضد انقلابیون نیکاراگوئه به ایالات متحده، دیوان علی‌رغم احراز اینکه پرسنل نظامی ایالات متحده در عملیات ضد انقلابیون نقش مستقیمی داشته و مأموران این کشور در برنامه‌ریزی، هدایت و پشتیبانی این عملیات شرکت کرده‌اند، اظهار نظر می‌کند که انتساب این اعمال به ایالات متحده ثابت نشده است، و توضیح می‌دهد که: دلایل موجود کافی برای اثبات «وابستگی کامل» (total dependence) ضد انقلابیون به کمک ایالات متحده نیست. «وابستگی جزئی» ممکن است از این واقعیت که رهبران ضد انقلابی برگزیده ایالات متحده بوده‌اند و از عوامل دیگر نظیر سازماندهی، آموزش و تجهیز نیرو، برنامه‌ریزی عملیات، انتخاب هدفها و پشتیبانی آن بهره‌مند بوده‌اند، به دست آید، اما دلیل آشکاری در دست نیست که ایالات متحده، در واقع، آنچنان کترلی بر ضد انقلابیون داشته است که اعمال آنان باید از طرف آن دولت محسوب شود. و سرانجام، دیوان چنین نتیجه‌گیری می‌کند: دیوان به این نتیجه رسیده است که ضد انقلابیون خود مسئول اعمالشان، به ویژه موارد نقض ادعائی حقوق بشر از سوی آنان، هستند. برای اینکه ایالات متحده قانوناً مسئول باشد، باید ثابت شود که آن دولت کنترل واقعی عملیاتی را که طی آن نقض ادعائی حقوق

صورت گرفته در دست داشته است.^{۲۸}

درست است که این رأی مربوط به مسئولیت يك دولت انقلابی و نیز مربوط به خسارات وارده در جریان شورشهای مردمی نیست و از این رو مورد آن با مورد زیانهای وارد در جریان انقلاب اسلامی متفاوت است، معهداً از آن بوضوح بر می آید که در نظر دیوان بین المللی دادگستری، که در حقیقت معرف حقوق عرفی بین المللی است، وابستگی کامل افراد وارد کننده زیان به دولت و کنترل واقعی دولت بر آنها شرط تحقق مسئولیت بین المللی است، و تا این وابستگی کامل و کنترل دولت بر وارد کنندگان زیان و عملیات آنها از سوی خواهان اثبات نشود، دادگاه نمی تواند دولت خوانده را مسئول بشناسد.

● نوشته های علمای حقوق بین الملل در مورد شرط کنترل

۲۸. نوشته های علمای حقوق بین الملل نیز نظر فوق را تأیید

۳۸. رجوع شود به خلاصه رأی به شماره ۸۶/۶ مورخ ۲۷ ژوئن ۱۹۸۶ منتشر از سوی دفتر دیوان که بعضی از عبارات مندرج در صفحات ۱۰ و ۱۱ آن در ارتباط با موضوع عیناً به شرح زیر نقل می شود:

The Court has to determine whether the relationship of the **contras** to the United States Government was such that it would be right to equate the **contras**, for legal purposes, with an organ of the United States Government, or as acting on behalf of the Government.

The Court Considers that the evidence available to it is insufficient to demonstrate the total dependence of the **contras** on United States aid. A partial dependency, the exact extent of which the Court cannot establish, may be inferred from the fact that the leaders were selected by the United States, and from other factors such as the organization, training and equipping of the force, planning of operations, the choosing of targets and the operational support provided. There is no clear evidence that the United States actually exercised such a degree of control as to justify treating the **contras** as acting on its behalf.

5. Having reached the above conclusion, the court takes the view that the **contras** remain responsible for their acts, in particular the alleged violations by them of **humanitarian law**. For the United States to be legally responsible, it would have to be proved that State had effective control of the operations in the course of which the alleged violations were committed.

می‌کند. گوبلز (Goebels) ضمن بحث تفصیلی از مسئله می‌گوید:
«با وجود این، در موردی که دولت شورشی به صورت حکومت قانونی
(de jure) در آمده باشد، مسئولیت برای اعمال شورشیان روشن
است. حکومت قانونی جدید مسئول... اعمال خویش (its own
acts) است.»^{۳۹}

از کلمات «اعمال خویش» به آسانی بر می‌آید که دولت شورشی
یا انقلابی پیروز، مانند هر دولت دیگر، فقط مسئول اعمال ارگانها و
افراد تحت کنترل خویش است که به مثابه اعمال خود او و قابل
انتساب به او تلقی می‌شود.

۲۹. قاعده مذکور، در طرح کنوانسیون هاروارد راجع به
مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال خسارات وارد به بیگانگان مورخ
۱۹۶۱^{۴۰} به وضوح بیشتری بیان شده است. بند ۱ ماده ۱۸ طرح مزبور در
این خصوص می‌گوید:

«در موردی که يك انقلاب یا شورش تغییری در حکومت يك کشور
ایجاد یا دولت جدیدی برقرار کرده است، فعل یا ترك فعل يك ارگان،
نماینده، مأمور یا کارمند گروه انقلابی از نظر این کنوانسیون قابل
انتساب به کشوری است که گروه مزبور حکومت آن را به دست گرفته
است.»^{۴۱}

39. The International Responsibility of States for Injuries sustained by Aliens on Account of Mob Violence Insurrections, and Civil Wars, 8 *American Journal of International Law* (1914), p. 818.

40. *The American Journal of International Law*, 1961, Vol. 55, pp. 548 ss.

41. Article 18 (Activities of Revolutionaries):

1. In the event of revolution or insurrection which brings about a change in the government of a State or the establishment of a new State, an act or omission of an organ, agency, official, or employee of a revolutionary or insurrectionary group is, for the purposes of this Convention, attributable to the State in which the group established itself as the government.

۳۰. نویسندگان طرح مزبور - دو استاد برجسته حقوق بین الملل در دانشگاه هاروارد به نامهای سوهن (Sohn) و باکستر (Baxter) - در تفسیر قاعده فوق اعلام می کنند که مبنای انتساب عمل به دولت اساساً یکی است. اعمال توده های مردم، دانشجویان یا گروه های دیگری که به عنوان نماینده یا مأمور سازمان انقلابی عمل نمی کنند، قابل انتساب به دولت، چه دولت مستقر و چه دولت انقلابی، نیست. سپس می گویند:

«در مرحله ای که انقلاب یا شورش هنوز در حال پیشرفت است، و به ویژه هنگامی که مرحله آغازین خود را می گذرانند، ممکن است اثبات اینکه خسارت وارد به يك بیگانه در واقع ناشی از عمل يك ارگان یا مأمور یا کارمند نهضت است یا معلول هواداران غیرمتشکل نهضت که فاقد وضعیت رسمی هستند، دشوار باشد. برغم این دشواری، در هر مورد باید اثبات شود که عمل يك فرد یا گروه واقعاً عمل کارمند یا مأمور یا ارگان یا نماینده گروه بوده است.»^{۴۲}

به تعبیر دیگر، می توان گفت از آنجا که ضابطه انتساب عمل به دولت برای دولت انقلابی پیروز و غیر آن تفاوت نمی کند، باید يك گروه سازمان یافته مشخص وجود داشته و اعمال زیان آور از افرادی که تحت کنترل آن سازمان هستند سرزده باشد تا بتوان این اعمال را قابل

42. At the stage when the revolution or insurrection is still in progress, and more particularly when it is in its inception, it may admittedly be difficult to determine whether an injury to an alien was actually caused by an "organ", "agency", "official", or "employee" of the movement or by unorganized supporters of the movement having no official status. Despite this problem, a determination whether the act of an individual or a group was actually that of an employee or official or an organ or an agency of the group will have to be made in each case.
(GARCIA-AMADOR, SOHN and BAXTER: *Recent Codification of the Law of State Responsibility for Injuries to Aliens*, 1974, pp. 258-9).

انتساب به دولت انقلابی پیروز دانست و تا وقتی که این امور اثبات نشده است مسئولیتی متوجه آن دولت نخواهد بود. بنابراین، اعمال هواداران غیرمتشکل نهضت که رسماً عضو یا وابسته به سازمان انقلابی و تحت کنترل آن نبوده‌اند، قابل انتساب به دولت انقلابی نیست.

۳۱۰. به طور خلاصه، جوهر مسئولیت بین‌المللی، کنترل است و همچنانکه برانلی می‌گوید:

«این واقعه اتفاقی که نهضت پیروز شده است نمی‌تواند منطبق این قاعده را که دولت نمی‌تواند مسئول حوادثی باشد که خارج از کنترل اوست، تغییر دهد.»^{۴۳}

هرگاه دولت انقلابی مسئول اعمال افرادی تلقی شود که تحت کنترل او نبوده‌اند، نتیجه‌اش سختگیری بیشتر نسبت به دولت انقلابی و شناختن مسئولیت بیشتر برای او در مقایسه با دولت معمولی است، و این برخلاف اصول و موازین حقوق بین‌الملل به ویژه اصل تساوی دولت انقلابی و دولت معمولی در زمینه مسئولیت بین‌المللی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

● نتیجه

۳۲. از آنچه در این مقاله گفته شد نتایج زیر را می‌توان به دست آورد:

۱. دولت از نظر بین‌المللی به هیچوجه مسئول اعمال افرادی که نمایندگی او را نداشته و از طرف او عمل نکرده‌اند، نیست. مسئولیت

43. «... the casual fact that an insurrection is successful does not alter the logic that a state can not be responsible for events beyond its control.
(IAN BROWNLIE: *System of the Law of Nations, State Responsibility, part I, 1983, p. 178*).

بین‌المللی دولت در قبال زیانهای وارد به بیگانگان محدود به اعمال ناشی از مأموران و نمایندگان خود اوست، نه اشخاص خصوصی که دارای چنین سمتی نبوده‌اند. اعمال این اشخاص قابل انتساب به دولت نیست.

۲. ممکن است عمل افراد زمینه‌ای برای مسئولیت بین‌المللی دولت فراهم آورد و آن هنگامی است که دولت در پیشگیری از ارتکاب عمل زیان‌آور یا در مجازات عاملان آن، اهمال و کوتاهی کرده باشد. در این صورت، دولت فقط مسئول قصور ارگانهای خویش است نه اعمال افراد، و غرامتی که دولت باید به بیگانگان بپردازد غرامتی متناسب با قصور مأموران خود اوست، نه اعمالی که افراد خصوصی انجام داده و مأموران دولتی در پیشگیری یا مجازات آن قصور ورزیده‌اند.

۳. دولت اصولاً مسئول زیانهای وارد در نتیجه انقلابها و شورشهای مردمی که خارج از حیطه اقتدار او قرار دارد، نیست.

۴. دولت انقلابی پیروز، بر طبق رویه قضائی بین‌المللی، مسئول زیانهای است که در نتیجه اعمال انقلابیون قبل از پیروزی انقلاب به بیگانگان وارد شده است، مشروط بر اینکه اولاً يك سازمان یا گروه متشکل انقلابی وجود داشته باشد، و ثانیاً وارد کنندگان زیان تحت کنترل واقعی آن سازمان یا گروه انقلابی بوده باشند، و فقط با این شرایط است که اعمال انقلابیون به دولت انقلابی پیروز نسبت داده خواهد شد. به طور کلی، هیچ دولتی را - چه انقلابی و چه غیرانقلابی - نمی‌توان مسئول اعمال افرادی شناخت که تحت کنترل واقعی آن دولت نبوده‌اند. این يك اصل مسلم در مسئولیت بین‌المللی دولت است که مورد تأیید رویه قضائی بین‌المللی و علمای حقوق بین‌الملل عمومی واقع شده است.

۵. اثبات اینکه وارد کنندگان زیان و عملیات آنها تحت کنترل سازمان انقلابی بوده‌اند برعهده خواهان دعوی است و تا وقتی که این شرط اثبات نشده يك دادگاه بین‌المللی نمی‌تواند دولت انقلابی پیروز

را مسئول زیانهای ناشی از انقلاب یا شورشهای مردمی تلقی کند.

۳۳. از نکات فوق بخوبی بر می آید که ادعای امریکائیان در مورد خسارات احتمالی وارد به آنها در جریان انقلاب اسلامی، مردود است. در ردّ ادعای آنان، هم به اصول و قواعد حقوق بین الملل و هم به بند ۱۱ بیانیه الجزایر می توان استناد کرد. به موجب این بند، ایالات متّحده و اتباع آن دولت از اقامه دعوی علیه ایران در رابطه با اموری منع شده اند از جمله:

«(د) صدمات وارده به اتباع ایالات متّحده و یا اموال آنها در نتیجه جنبشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که ناشی از عمل دولت ایران نبوده است.»^{۴۴}

عبارت فوق به دوگونه قابل تفسیر است:
یکی آنکه به موجب این عبارت، دولت ایران از مسئولیت مربوط به زیانهای وارد به امریکائیان در نتیجه جنبشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی بکلی میرا شده است، اعمّ از اینکه اعمال مزبور طبق حقوق بین الملل قابل انتساب به دولت انقلابی پیروز باشد یا خیر. دیگر آنکه عبارت فوق همان قاعده‌ای را بیان می کند که در

۴۴. در متن انگلیسی بیانیه که به امضای نمایندگان دولتمن رسیده و دارای اعتبار عهدنامه است چنین آمده است:

«Injury to the United States nationals or their property as a result of popular movements in the course of the Islamic Revolution in Iran which were not an act of the Government of Iran.»

ترجمه دقیق عبارت بدین شرح است: «... زیان وارد به اتباع ایالات متّحده یا اموال آنها در نتیجه جنبشهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی ایران که عمل دولت ایران نبوده اند». بنابراین، ترجمه‌ای که در مجموعه اسناد دفتر خدمات به چاپ رسیده و در بالا نقل شد، قابل ایراد است.

حقوق بین الملل شناخته شده است: دولت انقلابی ایران مسئولیت زیانهای ناشی از انقلابیون و شورشیان در جریان انقلاب اسلامی را، تا حدی که اعمال آنان قابل انتساب به دولت نیست، برعهده ندارد. به دیگر سخن، دولت انقلابی در قبال زیانهای وارد در جریان این شورشها مسئول شناخته نمی شود، مگر اینکه اثبات شود وارد کنندگان زیان و عملیات آنها تحت کنترل گروه انقلابی پیروز بوده اند.

از آنجا که قبل از پیروزی انقلاب و حتی در اوایل آن رهبران انقلاب کنترلی بر اعمال زیان آور شورشیان نداشته اند، و حتی گاه این اعمال برخلاف دستورهای رهبران مذهبی انجام می شده است، اثبات مسئولیت دولت از این طریق غیرممکن خواهد بود.

۳۴. باید یادآور شد که تفسیر اول بیشتر به سود ایران است، اما دلیل قاطعی بر اینکه این معنی مورد نظر دولتین و منطبق با اراده مشترک آنان است، در دست نیست؛ ولی تفسیر دوم با ظاهر عبارت بیانیه (متن انگلیسی) و اصول حقوق بین الملل سازگار است و از این رو بیشتر قابل قبول به نظر می رسد.

به هر تقدیر، هر یک از این دو تفسیر که پذیرفته شود، دعاوی امریکائیان در مورد زیانهای ناشی از اعمال افراد عادی سازمان نیافته یا گروههای غیراسلامی در جریان انقلاب - حتی اگر نام مأمور کمیته یا غیر از آن بر خود نهاده باشند - باید مردود شناخته شود.



پښتونستان د علوم او انسانیت د مطالعاتو د مرستی
پرتال جامع علوم انسانیت